

DEAR MY HORROR

AOISEKAI

Uploader

Mioka

Translator

Elina

Editor

Yohan & Hadis

Director

Mioka



اوه امروز میریم
کوهنوردی...

بهتره که
لباس‌های گرم
پوشی.



...باشه.



وای، واقعا مرد
ترسناکیه...



خب، چون قبلاً در
مورد اینجا تحقیق کرده بودم
می‌دونستم که کشور سردیه و به
خاطر همین لباس‌های گرم برای
خودم برداشته بودم...



...ها؟

این که
لباس‌های من
نیست؟



타닥

موجونگ‌هو،
فکر کنم چمدونم
توی فرودگاه عوض
شده.



وسایل داخلش
با اون چیزی که من
قبلاً توش گذاشتم به
کم فرق داره.

چمدون خودته،
مدیر کیم وسایل‌هات رو
عوض کرده و دوباره
توش چیده.



چی؟!

اگه دنبال اینی
که بدونی لباس هات رو
انداخته دور یا نه، بهتره که
بهت بگم لازم نیست
نگران باشی.



으쓱

چون تمام
لباس هات رو توی
کمدت گذاشته.

پرا بدون
لبازهی من این کارو
کردی...!



바라!

چیہ؟ مشکلی
هست؟



HKWA...

لعنتی، با این
یارو اصلاً نمی شه
حرف زد.



ها...
بی خیال.



حتی با
اینکه عصبیم کرده،
فعلاً باید تحملش
کنم.



این اولین سفر
خارجیمه، نمی خوام
خرابش کنم.

وقتی برم
دانشگاه، دیگه هیچ
وقت نمی بینمش.



فقط باید
یه کم دیگه تحملش
کنم، فقط یه کوچولو
دیگه.

...اوهوم.



...واقعا از
لباس های خودم خیلی
گرم تره.



اگه دیگه
لباس پوشیدنت تموم
شد، بهتره دیگه راه
بیوفتیم.

...آ، آره،

باشه.

저벅...

گفتش که اول
از شهر قدیمی قراره
بازدید کنیم...

저벅

ولی هنوز
نمی‌دونم که بعدش
قراره کجا بریم.

저벅

...بی صبرانه
منتظرم ببینم قراره
کجا بریم.

و چیسیت

میر میر میر

نویسندگان: Moya & Anelita AS هنرمند: Gyeon-ee

خب، دوستان،
رسیدیم به اولین مکان
گردشگری.

لطفاً همگی آهسته
پیاده بشین.



탁

وای...



همگی کنار
همدیگه جمع
شدین؟

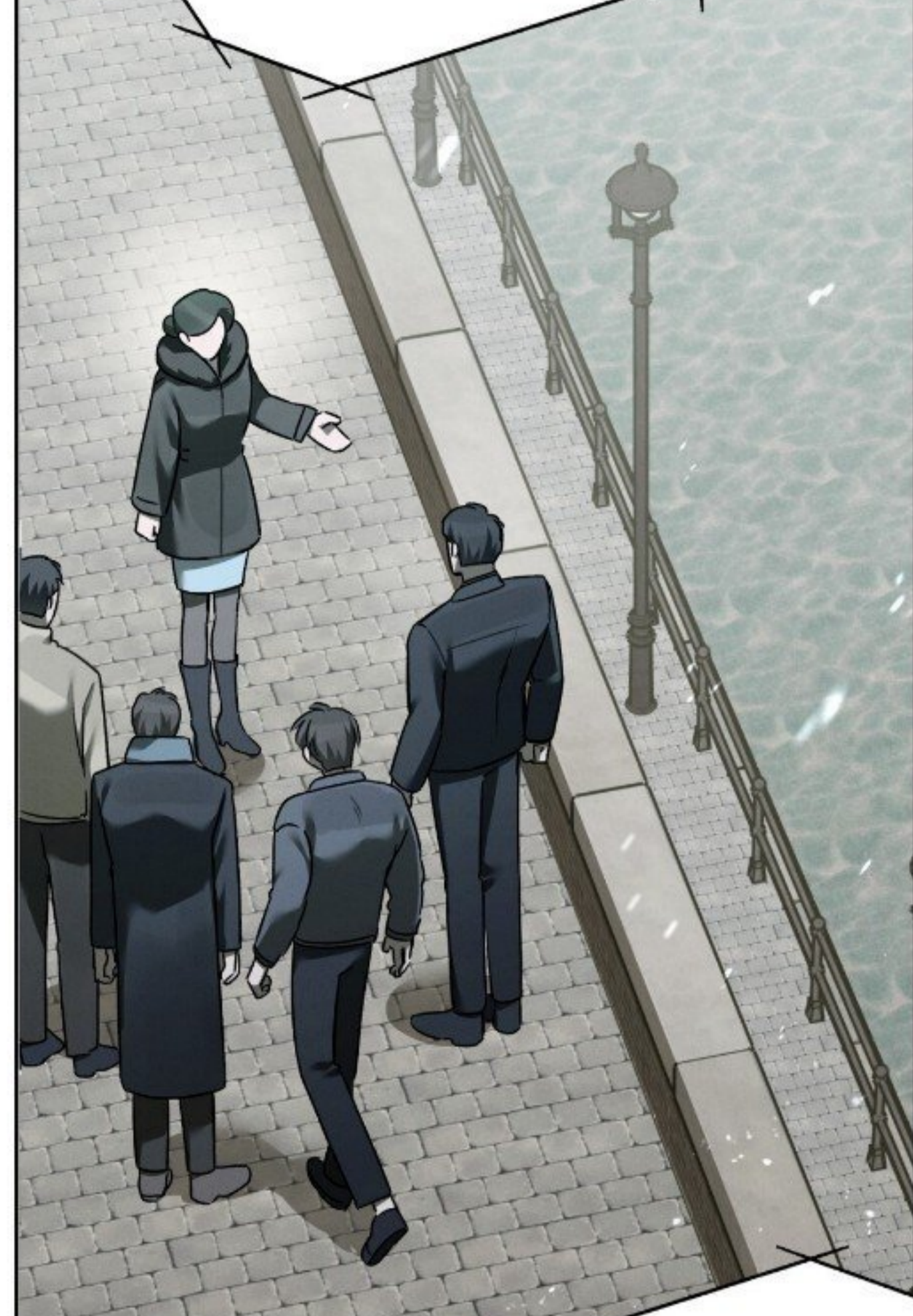


پس حالا لطفاً
هدفون‌های راهنماتون
رو بذارین!

۹۹

خواهش می‌کنم
موقع شنیدن توضیحات،
خوب به حرف‌هامون گوش
کنین و دنبال‌مون
بیاین.

پلی که
الان روی اون ایستادین،
بعد از جنگ بازسازی
شده.



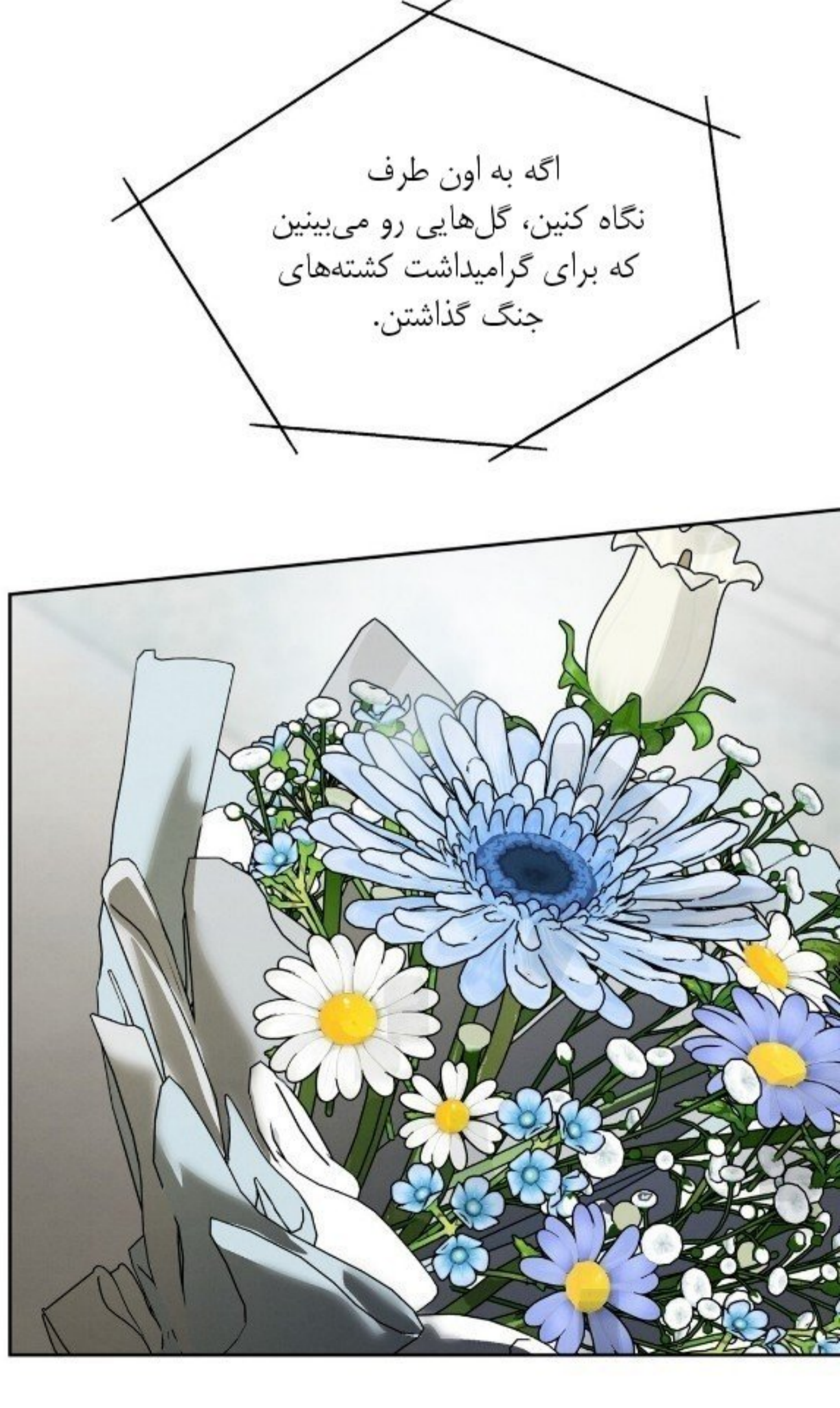
و دقیقاً پنجاه سال
طول کشید تا بازسازی
تموم بشه.



وای، به
رودخونه نگاه کن...
خیلی قشنگه...



اگه به اون طرف
نگاه کنین، گل‌هایی رو می‌بینین
که برای گرامیداشت کشته‌های
جنگ گذاشتن.



휘이익

.....



خب حالا
بریم سراغ بخش
بعدی...

치지직

اوه؟!!

چرا یهوایی از
توی هدفون صداهای
نویز اومد...

탁탁

شاید چون برف
خورده بهش، یه لحظه
خراب شده.

الان درست
شد...

휘이익

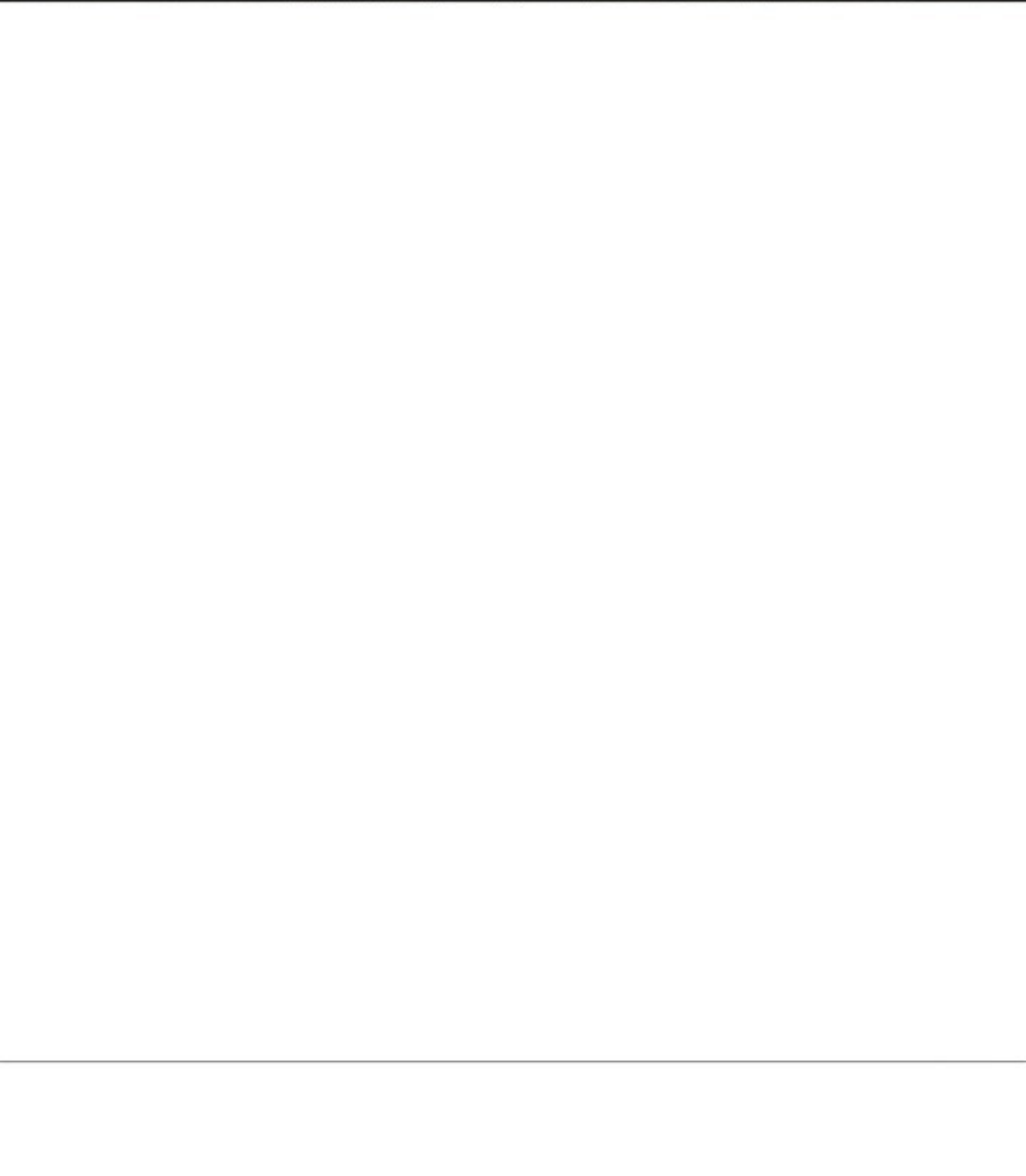




ها...؟



الان اینجا بودن،
کجا رفتن...؟



터벅

터벅

اینجا هم
نیستن؟



...بیخشید، کسی
اینجا نیست؟

کوکا

کوکا

چیکار کنم،
کوچه داره کم کم
تاریک می شه.



...هَم؟ یه
اُمگی آسیاییم؟



بزار ببینم،
می فهمی من چی
میگویم...!?

لوه، از قدیما کنجگو
بودم بدونم بوی فرومون
شاهها چطوریم...



چی داره
زیر لب برای خودش
می‌گه؟ چرا داره نزدیکتر
میاد؟

د، دور شو...
یکی کمک...!



تورو خدا،
نجاتم بدین-

تورو خدا،
نجاتم بدین-

نمی‌خواهی از
اینجا گورت رو گم کنی؟
عوضی کثافت!!



دیشب هم
تو جزو اون آدمهایی
بودی که دست کردن و
همه بارو بهم ریختن
مگه نه؟!

دفعه‌ی آخرت
باشه که در مردم سروصدا
می‌کنیا - خالا هم برو
گمشوا!

...ها.

لعنتی...
حیف که کارم نیمه‌کاره
موند.

کیش، فقط دوباره
بیا اینجا بسین چیکارت
می‌کنم.

آه! اون...،
مرسی. نه وایستا
مرسی *؟

تو هم، اینجا داره چه
انگلیسی می‌کنه.

...تو کره‌ای
هستی؟

هه. بله!



خیلی جوون به
نظر می رسی، چی شد
که اینجا اومدی؟

ض

ض ض

آه، راستش، راه
رو گم کردم...

هم، تویه
امگایی؟



?!



منم امگا
هستم. الان هم
اینجا تن فروشی
می کنم.

ه

چی؟
چطور...



هلگ

می پرسی
چرا اینجا این کارو
می کنم؟

توی کره چون
اُمگا هستم بهم بی احترامی
می کنن.

توی خونه هم خواهر
و برادرای گرسنه ام گریه
می کنن....

مگه نباید به کاری
براشون بکنم تا دیگه
گرسنه نباشن؟

به نظر می رسی
پسر پولداری باشی،
بادیگاردت کو؟

من، من ...

آه~ حتما گشته.
اینجا ما بهت غذای
مجانی نمی دیما.

الله

یا لایب می خواستی
بیای اینجا و ببینی بی پول هایی
مثل من اینجا چطوری زندگی
می کنن، هان؟

نه، نه، همچین
چیزی نیست...

ممنون که
نجاتم دادی. من
دیگه باید برم.

صبر کن، تو
این دنیا چیزی مجانی
نیست. حداقل یه پولی
بده بعد برو.

튀적

آه... الان خیلی
پول ندارم.

ها؟ لباس خیلی
خوشگلی پوشیدی. همون
رو بده به من.

.....!

زندگیم رو
نجات دادی، به کت
کوچیک که چیزی
نیست.

فمن اینده این اهلا
مال من نیست.

주섬

주섬

탁

مرسی! اگه
اون راه رو مستقیم
بری، می رسی به
میدان.



اوه، جدی!
مرسی.

آره، حالا دیگه
نه عقب ت رو نگاه کن،
نه متوقف بشو، فقط
بدو.

تاک تاک

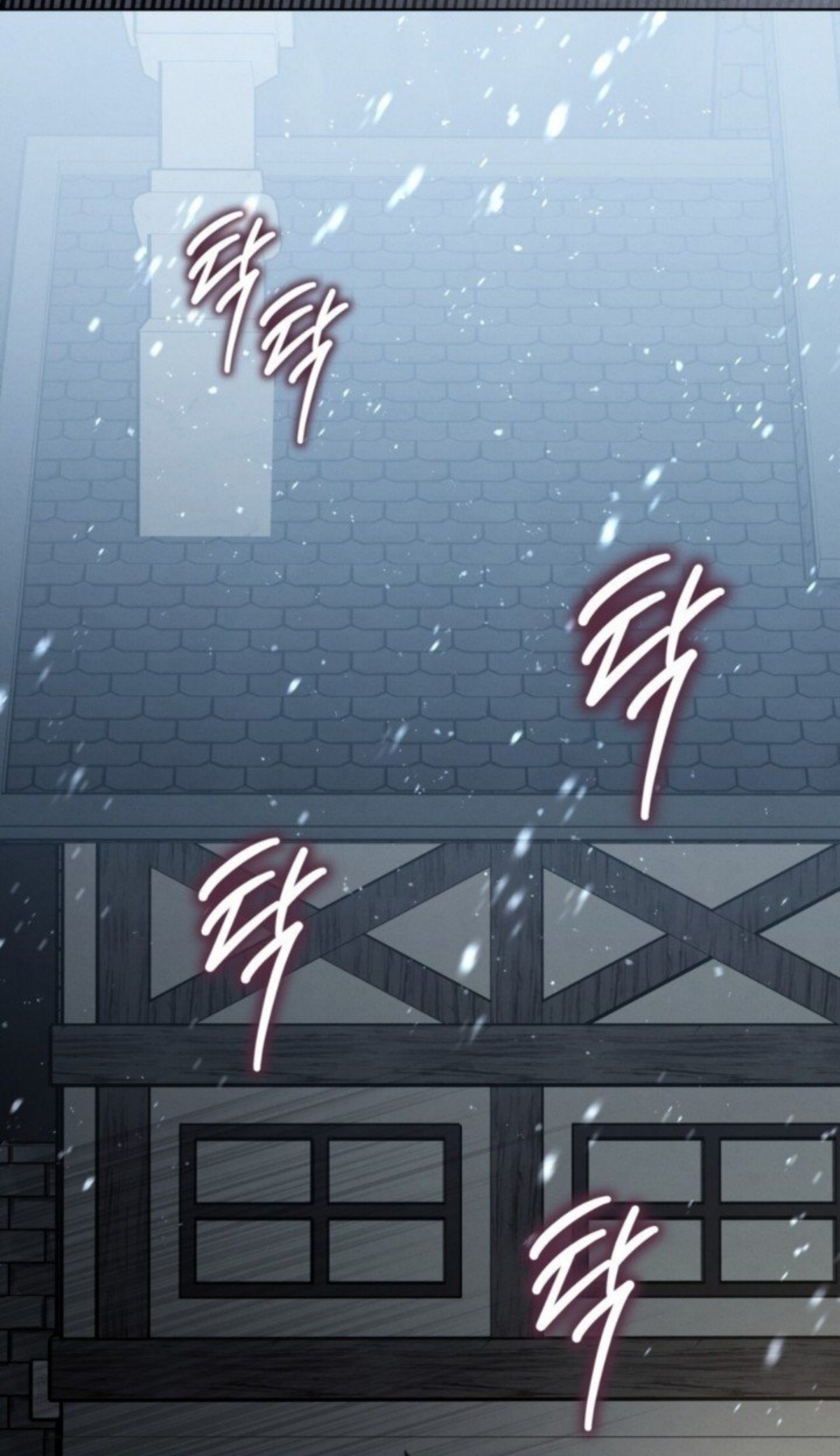
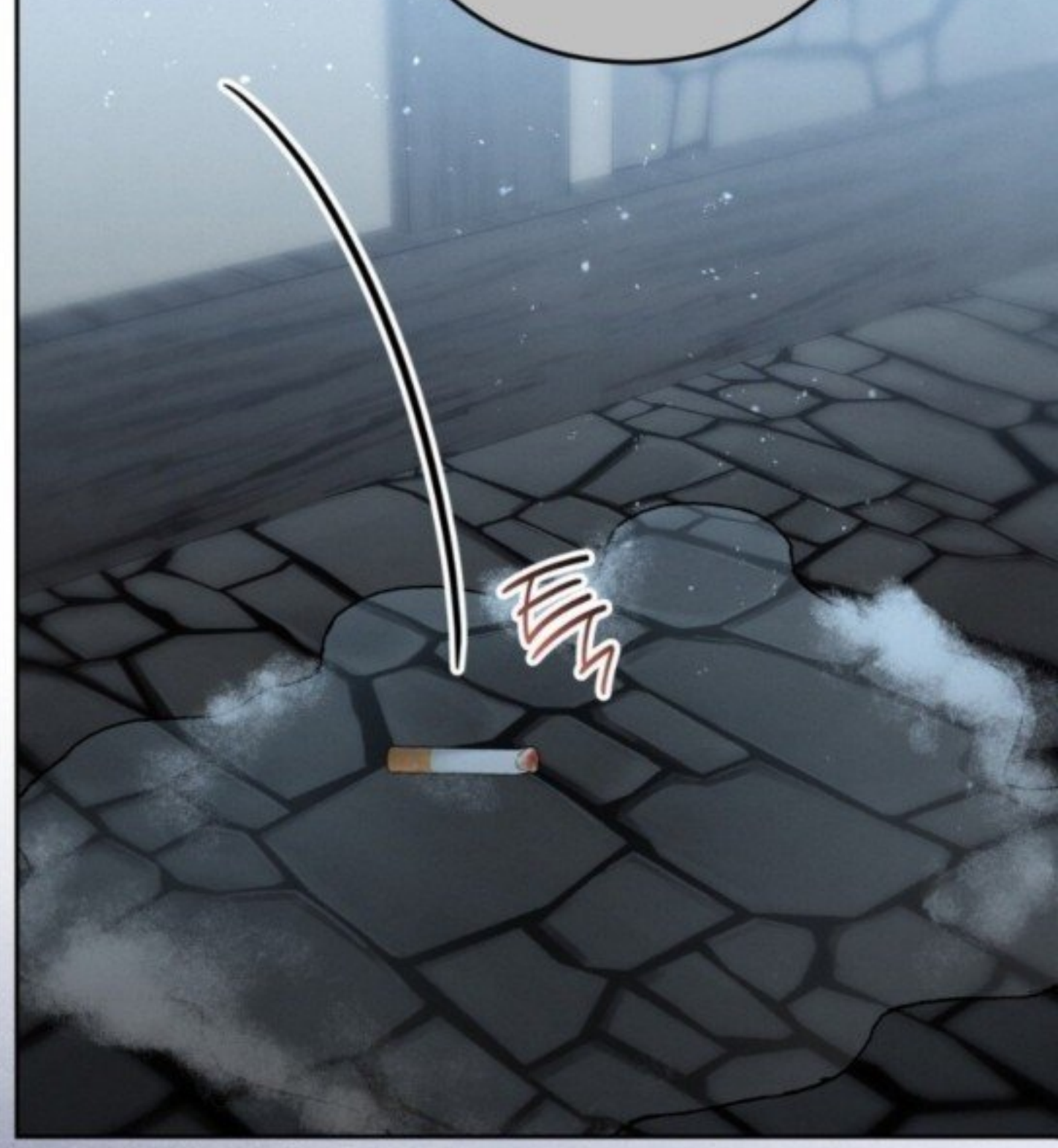


...اون آدم احتمالاً
دنیاش خیلی با من
فرق می کنه.

ها...



آه... بی خودی
حالم رو خراب
کردم.



치자

치자

...از توی
هدفون یه صدایی
اومد!



بالاخره بقیه رو
پیدا کردم...!

حوای



وای،
دانش آموز! تا الان
کجا بودی؟

بعدش هم
چرا داری توی هوای
به این سردی با این لباس
اینجا داری چرخ
می زنی ...



برگشتی،
خداروشکر!

ها-

ها-

تو فعلاً
برگرد توی اتوبوس
تا یه کم بدنت گرم
بشه.

محافظه~.



... مو جونگ هو

هم اینجاست.



لباست
چی شده؟

کلیتاً

...یه بی خانمان
گرفتش.



...واقعاً یه
دقیقه بود که نبودیا
چه چیزها برات اتفاق
افتاده.

ها...



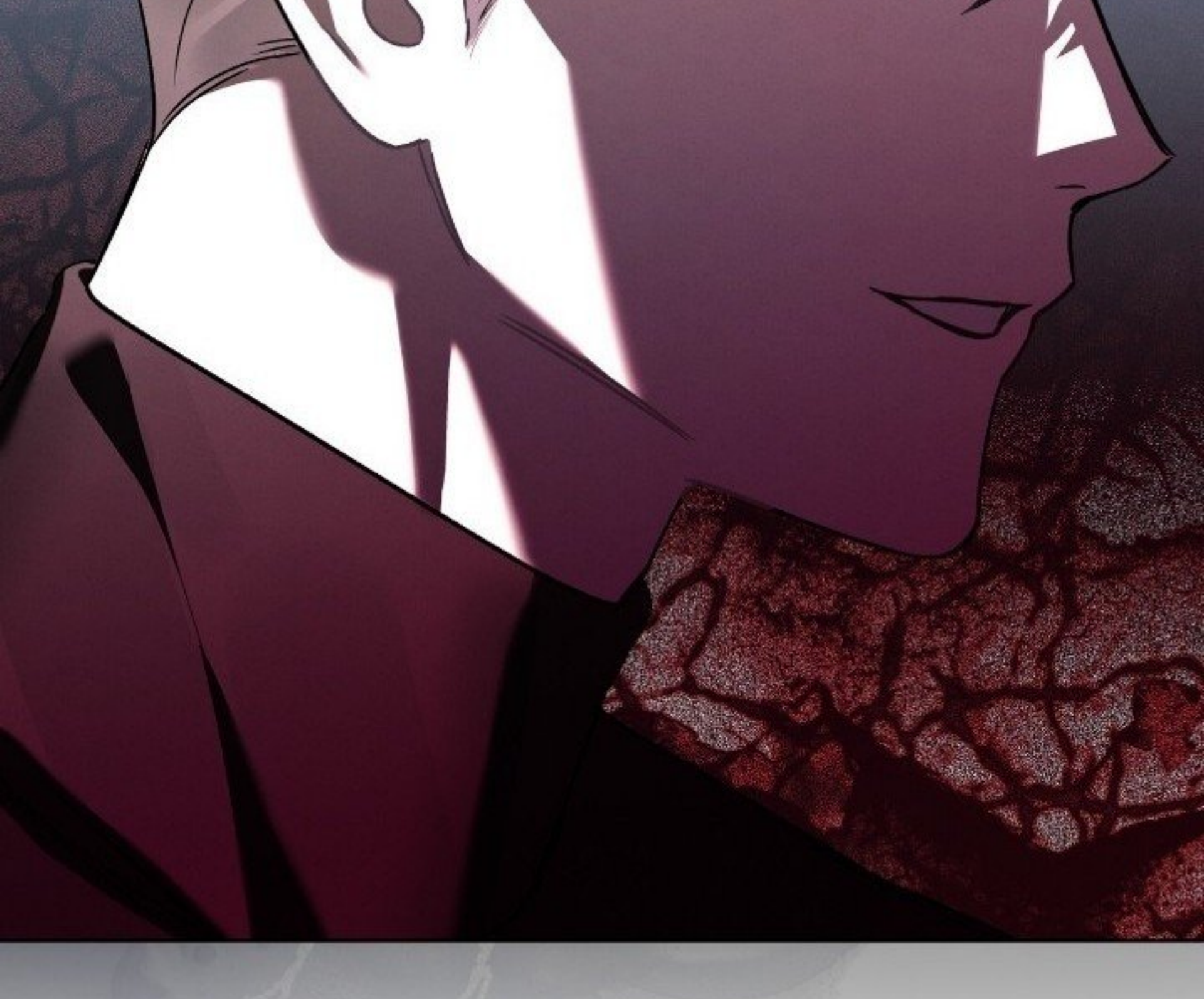
می دونی
بعد از نهار کجا
می ریم؟



قبلاً هم
بخت گفته بودم، الان
هم میگم، می ریم
کوه.

تا اون موقع خیلی
سرد می شه، ماله نه؟

آره، په جورایی
می‌گن بازی سنتی
این کشور محسوب
میشه.



...بازی سنتی؟
چه جور بازیه؟



...رازه،
خودت می‌ری
می‌بینی.



مطمئنم تو هم
خوشت می‌آد.



ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

AoiSekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)